

# منع قطع عضو و لزوم احترام به اجساد از منظر حقوق بشر دوستانه اسلامی و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه<sup>۱</sup>

## چکیده

در روابط بین‌المللی، جنگ به عنوان یکی از گزینه‌های پیش روی دولت‌ها جهت تغییر موازنه در معادلات بین‌المللی مطرح می‌باشد؛ چرا که گاهی ابزارهای دیپلماتیک اثر بخشی خود را از دست می‌دهند و اینجاست که جنگ یک رهیافت نهایی می‌شود.

جنگ از دیرباز گزاره‌ای تلخ و اجتناب‌ناپذیر بوده که همواره گریبانگیر بشر بوده است. برخلاف گذشته‌های دور، در حال حاضر، جنگ دیگر یک فرایند برهنه از قواعد و هنجارهای حقوقی منضبط نیست، بلکه فی الحال یک پروژه متحرک است که به سمت پذیرش هنجارهای مقبول بین‌المللی اعم از عرفی و قراردادی، جهت کاهش آلام بشری و انسانی‌سازی جنگ در حرکت است. جنگ با خشونت فزاینده و آستانه حداکثری، تقبیح حقوقی گشته و محکومیت کیفری را به دنبال دارد. انسانی کردن جنگ تحت تکفل حقوق بین‌الملل بشردوستانه قرار گرفته است. این رژیم حقوقی از شروع درگیری تا پایان آن، سیطره خود را بر عرصه نبرد حفظ می‌کند. منع قطع عضو و لزوم احترام به اجساد یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است. سوال اصلی نوشتار حاضر این است که آیا در حقوق اسلامی علیرغم تشدّد فرق و مذاهب اسلامی، منع قطع عضو \_ آنچنانی که در حقوق بشردوستانه بین‌المللی ممنوع شده است \_ مورد نهی و ممنوعیت می‌باشد؟ آیا احترام به اجساد بدون تمایز از حیث مذهب، نژاد، عقیده و ... مورد وفاق مذاهب اسلامی و مورد تایید حقوق بشردوستانه بین‌المللی است؟ یافته‌های این نوشتار نشان می‌دهد که حقوق اسلامی در این دو حوزه واجد گزاره‌هایی بسیار عمیق و دقیق باشد اگرچه ضرورت تنقیح و تبویب موضوعات مذکور غیرقابل اجتناب می‌باشد. حقوق اسلامی، نه تنها قطع عضو را در خصوص انسان ممنوع می‌داند، بلکه بنحو شایسته و بی نظیری، این اقدام را در خصوص حیوانات نیز منع می‌کند. این مقاله با روش تطبیقی در صدد مقایسه حقوق بشردوستانه بین‌المللی با حقوق بشردوستانه اسلامی در دو حوزه مذکور می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** منع قطع عضو، احترام به اجساد، حقوق بشر دوستانه بین‌المللی، حقوق بشر

دوستانه اسلامی، حقوق بشر.

---

<sup>۱</sup> مجید مسعودی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

دکتر مسعود راعی (نویسنده مسئول)، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

دکتر غلامعلی قاسمی، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. گروه حقوق، دانشگاه قم.

## مقدمه

حقوق بشر دوستانه، اعمال یک دسته از محدودیت‌ها در ابزارها بر متولیان جنگ و نظامیان، و حمایت از قربانیان در مخاصمات مسلحانه است. بدین معنا که در وهله‌ی اول در هنگام ورود به جنگ چه شیوه‌ها و کارهایی را باید اعمال نمود و چه شیوه‌ها و کارهایی را نباید انجام داد. حقوق بشردوستانه به دنبال وارد کردن اقتضائات بشردوستانه و انسانی به روند و فرایند جنگ است (Stewart, 2003: 313). حقوق مخاصمانه مسلحانه، حقوق و وظایف متخاصمان را تنظیم می‌کند و به طور کلی با مسئله‌ی مشروعیت توسل به نیروی مسلح کاری ندارد. این شاخه از حقوق می‌پذیرد که درگیری مسلحانه، صرف نظر از دلیل آن، همواره اتفاق می‌افتد و بنابراین سعی دارد محدودیت‌هایی را بر نحوه‌ی جنگیدن اعمال نماید، با این هدف که تا حد امکان از اثرات ناخوشایند جنگ بکاهد (Fleck, Bothe and Fischer, 1999: 105-106). به عبارت دیگر، استفاده از برخی کارها و شیوه‌ها ممنوعیت دارد و تکلیف دولت‌ها عدم انجام آن است و گرنه موجب مسئولیت آنان می‌شود.

در وهله‌ی دوم، طرف‌های درگیری از لحاظ استفاده از برخی ابزارها و سلاح‌ها ممنوعیت و محدودیت دارند. در این معنی گفته می‌شود چنین جنگ و درگیری هست آنان حق ندارند از کلیه ابزارها و سلاح‌ها استفاده کنند، بلکه استفاده از سلاح‌ها در جنگ، خود شرایطی دارد و استفاده برخی از آن‌ها ممنوعیت دارد (Coupland, 1996: 5). منابع حقوق مخاصمات مسلحانه شامل حقوق عرفی و حقوق قراردادی است. حقوق عرفی تا جایی که در قراردادهای جدید به نحو دیگری بازگو نشده باشد، همچنان قابل اعمال است. (حقوق عرفی حتی در صورت وجود معاهده، ادامه حیات دارد و عبارت دقیق نیست) این رشته‌ی حقوقی دارای حقوق قراردادی متعددی می‌باشد که از جمله مهم‌ترین آن‌ها کنوانسیون‌های ۱۸۸۹<sup>۲</sup> و ۱۹۰۷<sup>۳</sup> لاهه - معروف به حقوق لاهه - و کنوانسیون‌های چهارگانه‌ی ژنو ۱۹۴۹<sup>۴</sup> می‌باشد. پروتکل اول بر حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی و پروتکل دوم بر حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی تأکید می‌کنند.

---

<sup>۲</sup> Regulations Concerning the Law and Customs of War on Land. The Hague. 29 July 1899.

<sup>۳</sup> در اولین کنفرانس بین‌المللی صلح ۱۸۹۹ لاهه، کنوانسیون‌هایی به تصویب رسید. در دومین کنفرانس بین‌المللی صلح ۱۹۰۷ لاهه، سیزده کنوانسیون و یک اعلامیه به تصویب رسید.

<sup>۴</sup> کنوانسیون اول ژنو درباره بهبود شرایط زخمی‌ها و بیماران گروه‌های مسلح در جنگ‌های زمینی.

- کنوانسیون دوم ژنو درباره بهبود شرایط زخمی‌ها و بیماران کشتی‌شکستگان نیروهای مسلح دریا.

- کنوانسیون سوم ژنو درباره رفتار با اسیران جنگی

- کنوانسیون چهارم ژنو درباره حفاظت از غیرنظامیان در زمان جنگ

- Protocol I To The Geneva Conventions Of 12 August 1949 Regulations To The Protection Of Victims Of international Armed Conflict.

Protocol II To The Geneva Conventions Of 12 August 1949 and Regulations To The Protection Of Victims Of Non- international Armed Conflict.

حقوق بشردوستانه بین‌المللی، در مفهوم سنتی خود، شاخه‌ای از حقوق جنگ است. حقوق جنگ در حقوق بین‌الملل سنتی<sup>۵</sup>، به دو شاخه «حقوق بر جنگ»<sup>۶</sup> و «حقوق در جنگ»<sup>۷</sup>، تقسیم شده است که در آنها رعایت اصول انسانی از منظر حقوق بشردوستانه الزامی است (Dill, 2015: 627). حقوق در جنگ یا همان حقوق بشر دوستانه، مجموعه قواعد و مقرراتی است که در خلال جنگ‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی، با هدف مهار خشونت و کاهش آلام بشری، حقوق قربانیان و افراد غیر متخاصم و محدودیت‌های نظامی در شیوه‌ها و ابزارهای جنگی را معین می‌کند. حقوق در جنگ بدون توجه به علت و انگیزه‌های وقوع جنگ و مشروعیت یا عدم مشروعیت جنگ، قواعد حمایت از افراد انسانی و رفتار قوای متخاصم را تدوین می‌کند. حقوق بشردوستانه در مفهوم مرسوم خود، کاهش دهنده‌ی آلام انسان‌ها و محدودکننده دامنه ویرانگری جنگ است. ولی مفهوم پیشرفته آن، تأمین احترام به شأن و کرامت والای انسان (Forsythe, 2018: xi) و تضمین حق حیات و حقوق اساسی بشر و نیز تعقیب، محاکمه و مجازات جنایت کاران جنگی است (کنعانی، ۱۳۸۲: ۲). مبنای حقوق بشر دوستانه، یک اندیشه و آرمان بسیار ساده و آن محدود ساختن آثار ویرانگر جنگ است (کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اتحادیه‌ی بین‌المجالس، ۱۳۸۳: ۲۹). مفهوم حقوق بر جنگ یا توسل به زور، که شاخه‌ای دیگر از حقوق بین‌الملل است، به مسأله حق و باطل در جنگ پرداخته است؛ و در واقع این دو شاخه از حقوق بین‌الملل - حقوق بر جنگ و حقوق در جنگ - را با دو گانگی مواجه کرده است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۲: ۳۴). حال ممکن است که این سؤال مطرح گردد که در چه زمانی حقوق بشردوستانه اعمال می‌گردد؟ از آنجا که منشور ملل متحد از دولت‌ها می‌خواهد از توسل یا تهدید به زور در روابط بین‌المللی اجتناب کنند، امروزه دولت‌ها تمایلی به صحبت از جنگ یا پذیرفتن وجود وضعیت جنگ ندارند. در هر صورت، مخاصمات مسلحانه همچنان اتفاق می‌افتند. بسیاری از آن‌ها درگیری میان کشورها نیستند، بلکه در داخل یک کشور و میان مقامات آو یک گروه شورشی یا یاغی حادث می‌شوند. به این نوع درگیری‌ها معمولاً مخاصمات مسلحانه داخلی، مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی یا جنگ‌های داخلی گفته می‌شود<sup>۸</sup> (۴۲ و D. Solis, ۲۰۱۶). گاهی اوقات دولت‌ها، به دلیل اینکه طرف دیگر درگیری را به رسمیت نمی‌شناسند، از پذیرش وقوع جنگ امتناع می‌کنند. «در نتیجه، حقوق مخاصمات مسلحانه به دو دسته قواعد تقسیم می‌شود:

الف: دسته‌ای از قواعد که در مخاصمات مسلحانه‌ی بین‌المللی قابل اعمال هستند و  
ب: دسته‌ای از قواعد که به مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی مربوط می‌شوند.

---

Classic.<sup>۵</sup>

Jus ad bellum.<sup>۶</sup>

Jus in bello.<sup>۷</sup>

Non- International- Armed Conflict.<sup>۸</sup>

اما بین این دو دسته قواعد، وجه اشتراک اساسی وجود دارد. حقوق عرفی زمانی اعمال می‌شود که یک درگیری مسلحانه وجود داشته باشد، حال چه این درگیری داخلی باشد و چه بین‌المللی، تفاوتی ندارد. در مورد حقوق قراردادی، قابلیت اعمال آن به شرایط خاص معاهده‌ی مورد نظر بستگی دارد». (پ. و. راجرز و دیگران، ۱۳۸۳: ۲۷۲). شاید پیش از ورود به مباحث اصلی، لازم باشد بدانیم که آیا در دین مبین اسلام نیز قواعد و مقررات بشردوستانه وجود دارد؟

با رجوع به آیات قرآن و نیز روایات معصومین (علیهم السلام) در می‌یابیم که دین اسلام همواره مفاد قواعد بشردوستانه را توصیه و اجرا می‌نموده است. زنان، کودکان، سالخورده‌گان، افراد ناتوان، مجروحان، اسرا، محیط زیست و ممنوعیت استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی و... که امروزه تحت عنوان حقوق بشردوستانه بین‌المللی از آن‌ها یاد شده است و کشورها خود را ملزم به رعایت آن‌ها می‌دانند، قرن‌ها پیش در سیره و کلام معصومین (علیهم السلام) توصیه و بر اجرای آنها تأکید شده است. در این نوشتار برآنیم تا دیدگاه اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی را در خصوص منع قطع عضو و لزوم احترام به اجساد را به‌عنوان بخشی از مفاد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلامی مورد توجه قرار بدهیم.

### درآمدی بر نگرش اسلام به حقوق بشردوستانه

در سنت‌های دینی و اخلاقی کهن و بزرگ این رهنمود را در می‌یابیم؛ «نباید کسی را بکشی» یا به تعبیر مثبت «باید حیات دیگران را محترم شماری». همه انسان‌ها از حق زندگی، امنیت و رشد آزاد شخصیت خود برخوردارند تا جایی که به حقوق دیگران آسیب نرسانند. هیچ کس حق ندارد جسم یا روح انسانی را مورد شکنجه و آسیب قرار دهد، چه رسد به اینکه او را به قتل برساند (آقاجانپور میر، ۱: ۱۳۹۵). اسلام دین رأفت است و در مقابل، برای همه‌ی اصول جنگ پیش‌بینی‌هایی کرده است و همواره بر اصل کرامت و رفتار انسانی و نیز بر اصل امنیت انسانی که هر دو از جمله‌ی اصول مشترک حقوق بشر و حقوق بشردوستانه است تأکید می‌نماید.

### ۱\_۱ اصل کرامت انسانی

کرامت انسانی همواره به‌عنوان یکی از انگیزه‌های حرکت به سمت انسانی کردن جنگ‌ها مطرح شده است (Shultziner, 2016: 439-440). ادیان همواره بر نوعی انسانگرایی و تکریم انسان تأکید داشته‌اند. می‌توان گفت برداشت مدرن از انسان و تأکید بر انسانگرایی ریشه در برداشت‌های دینی دارد. مایکل پری معتقد است: حقوق بشر، دینی است و مسأله کرامت ذاتی بشر مورد تأکید ادیان و فیلسوفان قرار دارد. در تورات در مورد قصاص این چنین آمده است: «کشتن انسان‌ها جایز نیست، زیرا انسان شبیه خداوند آفریده است» (قربان‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۲). خداوند در قرآن می‌فرماید: «به راستی که ما فرزندان آدم را گرامی (مکرم) داشته‌ایم و به آنان الطاف خاصه‌ای بیشتر از همه دیگر مخلوقات خود اعطا کرده‌ایم» (اسراء، ۷۰). بنا به گفته‌ی علامه محمد تقی جعفری، همه‌ی گروه‌های مردم (مسلمان و غیرمسلمان) دارای حقوق مشترک ذیل هستند: حق حیات، حق کرامت ذاتی، حق کار، حق تحصیل، حق آزادی. (آقاجانپورمیر، ۱۳۹۵: ۳). روایات فراوانی از معصومین (علیهم

السلام) بر لزوم حفظ حیثیت، آبرو و کرامت انسانی همه انسان‌ها دلالت دارد. امام علی (علیه السلام) در نامه‌ای به مالک اشتر (استاندار ایشان در مصر) فرمود: «پیوسته قلبت را از مهر به شهروندان مالمال کن. زنه‌ار نسبت به مردم همچون جانوران درنده‌ای که برای خوردنشان دنبال فرصت می‌گردند نباش، زیرا آنان بر دو دسته‌اند: یا برادر دینی‌ات به شمار می‌روند و یا اینکه در آفرینش مانند تواند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

## ۱\_۱\_۱. مبانی کرامت انسانی

هر چند به عقیده‌ی بیشتر صاحب‌نظران، مبانی کرامت انسانی، وجود خود انسان و ویژگی‌ها و استعداد‌های خدادادی وی است، اما در نگاهی تحلیلی گرایانه، چهار مبنای زیر را می‌توان به عنوان مبانی کرامت انسانی برشمرد:

الف: عقل: مهم‌ترین عامل وجه تمایز انسان از سایر موجودات عقل اوست. تعقل از ممیزات ذاتی انسان و عنصری است که به انسان کرامت و احترام بخشیده است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳: ۲۰۰). به عقیده‌ی مفسران ۹، تکریم انسان به موجب آیه (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) به واسطه‌ی قوه‌ی عقل است.

ب: بُعد الهی انسان: انسان حامل روح خداوند است و خلیفه وی در روی زمین، به همین دلیل بر سایر موجودات برتری یافته و دارای کرامت شده است. ۱۰

ج: فهم و ادراک زبان، قدرت خارق العاده‌ای است که تنها انسان از آن برخوردار است و سایر موجودات از آن بی‌بهره هستند.

د: وحدت جوهری بشریت: به این معنا که بشریت پیکر واحدی است که انسان‌ها اعضای آن هستند و این پیکر واحد، باید تجلی عینی و بیرونی داشته باشد. هر کس، همان دیگران است و دیگران همان من؛ به همین دلیل است که در فرهنگ قرآن قتل یک نفس، قتل جمیع مردم است.

## ۱-۲-۱. اصول بنیادین کرامت انسانی

این اصول در قالب ممنوعیت‌های زیر و با استناد به آیات قرآن و روایات معصومین (علیهم السلام) احصاء شده‌اند:

اصل اول: ممنوعیت نابودی نسل حیات انسانی. ۱۱

اصل دوم: ممنوعیت مُثله کردن کشته‌ها. پیامبر اکرم از مُثله کردن کشته‌ها پرهیز می‌داد، حتی در مورد سگ‌ها و هر چند دشمن چنین اقدامی را انجام داده باشد.

اصل سوم: ممنوعیت کشتار غیر نظامیان (سالمدان، زنان، کودکان، معلولان و...). جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن کشته شوند، اگرچه این عده، دشمن را یاری می‌رسانند.

۹. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن.

۱۰. سوره ی مبارکه حجر آیات ۲۹، ۳۰، ۳۱.

۱۱. سوره ی بقره، آیه ۲۰۴.

اصل چهارم: ممنوعیت کشتن اسیران. در تمامی جنگ‌ها، پیامبر و حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمودند: حق ندارید اسیران جنگی را بکشید، باید با اسرا به احسان رفتار کنید.

اصل پنجم: ممنوعیت نابودی زیست و طبیعت. پیامبر می‌فرمود: درختان جنگل و میوه‌دار را ریشه کن نکنید، مگر ناچار باشید. درختان خرما را با سیلاب آب از بین نبرید، کشتزارها را نسوزانید، چهارپایان حلال گوشت را تلف نکنید.

اصل ششم: ممنوعیت ترور، خیانت و ارباب. خداوند می‌فرماید: «هیچ پیامبری خیانت نکرد. هر کس در چیزی خیانت کند، در روز قیامت به کیفر آن خواهد رسید»<sup>۱۲</sup>. (عمید زنجانی، ۱۳۹۱: ۳۱).

## ۱\_۲. اصل حق حیات

در اسلام حیات به عنوان موهبت الهی و به عنوان یک حق اصیل و اولی دیده شده و لزوم آن برای همه انسان‌ها تضمین شده است و اصلی‌ترین عامل قیام ذات انسان به آن است. خداوند در قرآن کریم، قتل یک انسان را برابر با کشتن همه انسان‌ها توصیف نموده است.<sup>۱۳</sup> در کتب فقهی، اصلی تحت عنوان «مراجعة مشتبّه» آمده، مبنی بر اینکه اگر کافری به خیال اینکه مسلمین به او امان داده‌اند، وارد حدود مسلمین شود، و حال آنکه در واقع چنین نبوده است، نباید او را کشت و باید او را به محل اولش مراجعت داد. (یوسفی راد، ۱۳۸۶: ۱۱۵).

## دیدگاه حقوق اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در رابطه با منع قطع عضو

از جمله اشتراکات حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توجه هر دو رشته به موضوع منع قطع عضو می‌باشد. در پاسخ به سوال مطرح شده در این نوشتار، این مقاله با استناد به منابع متعدد فقهی و حقوقی، ممنوعیت قطع عضو را هم در حقوق بشردوستانه اسلامی و هم در حقوق بشردوستانه بین‌المللی استنباط و وجه ممیزه حقوق اسلامی را با حقوق بین‌المللی در این حوزه متعرض می‌گردد.

## ۱\_۲. دیدگاه حقوق اسلامی در رابطه با منع قطع عضو

مثله کردن عبارت است از قطع یک یا چند عضو از انسان پیش از مرگ یا پس از آن، که موجب اهانت به او باشد. این اقدام به قدری غیر انسانی است که طبق فرمایش پیامبر مکرم اسلام حتی با سگ مودی نباید به این شیوه عمل کرد. (حر عاملی: ۱۴۰۹: ۱۲۸؛ محدث نوری: ۲۵۶: ۱۴۰۸ ق). حکم حرمت مثله در اسلام از عموم و اطلاق برخوردار است لذا هیچ استثنایی بر آن وارد نشده است؛ بر همین اساس حتی اقدام مقابله به مثل هم در مورد مثله، با نیروهای دشمن ممنوع می‌باشد. اکنون به بررسی مستندات قرآنی و روایی، در خصوص بحث حاضر می‌پردازیم.

<sup>۱۲</sup>. سوره آل عمران: آیه ۱۶۱.

<sup>۱۳</sup>. سوره مائده، آیه ۳۲.

## الف: مستند قرآنی

(وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ). ۱۴.

و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، نبرد کنید! و از حد تجاوز نکنید، که خدا تعدی کنندگان را دوست نمی‌دارد. تقریباً تمام مفسران شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که منظور از «وَلَا تَعْتَدُوا» در آیه مذکور، این است که قتل زنان، کودکان و سالخورده‌گان و نیز عمل مثله کردن جایز نیست.

## ب: مستندات روایی

الف: در خطبه‌ای از علی (علیه السلام) آمده است: «اگر با آنان پیکار کردید، مجروحان را به قتل نرسانید، و اگر آنان را شکست دادید، فراری‌های آن‌ها را دنبال نکنید، و عورتی را آشکار نسازید و کشتگان را مثله نکنید» (احمدی میانجی: ۱۳۸۸: ۲۲۸).

ب: زمانی که پیامبر اکرم قصد داشتند گروهی را برای جنگ، روانه سازند، ابتدا آنان را دعوت می‌نمودند و توصیه‌هایی به آن‌ها می‌کردند از جمله اینکه: به نام خدا و برای خدا و در راه خدا بجنگید و نیرنگ و فریب به کار نبرید و کشتگان را مثله نکنید. (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲۷؛ طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۱۳۸؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ق: ۵۸؛ مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۱۷۷).

ج: جندب می‌گوید: علی (علیه السلام) در هر جا که با دشمن روبرو می‌شدیم می‌فرمود: شما آغازگر جنگ با آن‌ها نباشید تا آنکه آن‌ها جنگ با شما را شروع کنند... پس اگر آنان را شکست دادید، فراریانشان را نکشید، زخمیانشان را به قتل نرسانید، عورتی را عریان نسازید و کشته‌ای را مثله نکنید. (احمدی میانجی، ۱۳۸۸: ۲۳۰).

د: در تفسیر آیه (وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ) ۱۵ و هر گاه خواستید مجازات کنید، تنها به مقداری که به شما تعدی شده کیفر دهید و اگر شکیبایی کنید این کار برای شکیبایان بهتر است». نقل است که وقتی پیامبر به قتلگاه شهدای احمد آمد و آنچه را که بر حمزه سیدالشهداء و سایر شهدای اسلام رفته بود را دید، -منظور مثله کردن اجساد شهدای احد می‌باشد- گریسته و فرمود: «به خدا سوگند هرگز در موقعیتی ناخوشایندتر از اینجا قرار نگرفته بودم. اگر خداوند مرا بر قریش پیروز گرداند، حتماً هفتاد تن از ایشان را مثله می‌کنم». در این هنگام جبرئیل نازل شد و آیه -نحل، آیه ۱۲۶- را خواند و پیامبر فرمود: «پس صبر می‌کنم».

ه: علی (علیه السلام) در وصیت خویش در مورد ابن ملجم می‌فرماید: اگر نظرتان این شد که او را بکشید، مثله‌اش نکنید. (احمدی میانجی، ۱۳۸۸: ۳۲۸).

و: ابن عمر روایت کرده است: پیامبر کسی را که حیوان را مثله کند لعن فرموده است (همان)

<sup>۱۴</sup>. سوره بقره: آیه ۱۹۰.

<sup>۱۵</sup>. سوره نحل: آیه ۱۲۶.

ز: در روایت آمده است: مثله کردن روا نیست هر چند سگ هار باشد. (همان)  
همان گونه که از روایات فوق بر می آید قطع عضو و مثله نمودن افراد، به شدت نهی شده است و این مؤلفه یکی از افتخارات درخشان دین مبین اسلام می باشد که همیشه به کرامت، شرافت و حیثیت انسان توجه نشان می دهد؛ این ها همه نمونه هایی است از قواعد و مقررات بشردوستانه اسلامی که امروزه شاهد حضور نظامند این قبیل مقررات در اسناد بین المللی هستیم.

## ۲\_۲. دیدگاه حقوق بشردوستانه بین المللی در رابطه با منع قطع عضو

در حوزه حقوق بشردوستانه بین المللی، منابع متعدد عرفی و قراردادی در خصوص منع قطع عضو وجود دارد که حاوی ضوابط منع کننده قابل توجهی می باشد (Maybee and Chakka, 2008: 183) که مشروحا مورد بررسی قرار میگیرد.

الف: ماده ۱۳ کنوانسیون سوم ژنو اعلام می دارد:

با اسرای جنگی همواره باید رفتاری انسانی صورت گیرد؛ این به معنای آن است که: نمی توان مبادرت به قطع اعضای بدن اسرای جنگی نموده یا آن ها را مورد آزمایشات علمی قرار داد.

ب: بند ۲ ماده ۷۵ پروتکل اول ژنو در خصوص حمایت از جمعیت غیر نظامی اعلام می دارد:

باید با همه به طور انسانی رفتار شود. خشونت، قتل، شکنجه، مجازات بدنی، قطع عضو، تعرض به حیثیت شخصی، گروگان گیری، اعمال مجازات های دسته جمعی، یا تهدید به ارتکاب هر کدام از اعمال فوق ممنوع است.

ج: در دستورالعمل راهنمای رعایت حقوق بشر دوستانه ی بین المللی توسط نیروهای سازمان ملل متحد در بخش هفتم اشعار می دارد ۱۶:

ارتکاب اعمال زیر علیه هر کدام از اشخاص مذکور در بند ۷-۱ در هر زمان و هر مکان ممنوع است: خشونت نسبت به جان یا سلامت جسمی، قتل و نیز سایر رفتارهای سبعانه از قبیل شکنجه، مثله کردن، یا هر نوع مجازات بدنی دیگر.

د: ماده ۳ مشترک کنوانسیون های چهارگانه ژنو اشعار می دارد:

ارتکاب اعمال زیر همواره ممنوع است:

خشونت نسبت به جان و سلامت جسمی و روحی، به خصوص در مورد قتل، و نیز رفتارهای وحشیانه ای نظیر شکنجه، مثله کردن، یا هر نوع مجازات بدنی (پ. و. راجرز، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

ه: قاعده ۹۲ از مجموعه قواعد حقوق بین المللی بشردوستانه عرفی اشعار می دارد: مثله کردن، آزمایشات پزشکی یا علمی یا هر گونه اقدام پزشکی دیگر که برای سلامتی فرد مورد نظر لازم نبوده و با استانداردهای پذیرفته شده پزشکی منطبق نباشد، ممنوع است. رویه دولت ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق

<sup>۱۶</sup> اطلاعاتی دیرین کل سازمان ملل متحد در خصوص رعایت حقوق بشر دوستانه بین المللی توسط نیروهای سازمان ملل متحد.



بین‌الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی قابل اعمال می‌داند. منع مثله پیش از این در کدلیبر ۱۷- Lieber Code- مورد پذیرش قرار گرفته بود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، مثله کردن غیر نظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد را منع می‌نماید. مثله کردن در عین حال به موجب مقررات خاص کنوانسیون‌های سوم و چهارم ژنو منع شده است. به علاوه، منع مثله کردن به عنوان تضمین اساسی در حمایت از غیر نظامیان و افراد خارج از صحنه نبرد در پروتکل‌های الحاقی ۱ و ۲ به رسمیت شناخته شده است. ۱۸ به موجب اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی مثله کردن در هر دو حوزه درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی به منزله‌ی جنایت جنگی محسوب می‌گردد. ۱۹ این موضوع در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون در درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی به منزله‌ی جنایت جنگی شناخته شده است. ۲۰

دیدگاه حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در رابطه با لزوم و احترام به اجساد یکی از نکات اساسی در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه داخلی و بین‌المللی، توجه به وضعیت کشته شدگان و اجساد قربانیان می‌باشد. حقوق بشردوستانه که دایره مدار ارزش ذاتی انسان و توجه به کرامت انسان می‌باشد، این سیر ارزش محور را از حیات تا ممات انسان مورد اهتمام و عنایت خود قرار داده است.

در این بخش به بررسی دیدگاه‌های حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین‌المللی در خصوص لزوم احترام به اجساد می‌پردازیم.

### ۳\_ دیدگاه حقوق اسلامی در رابطه با لزوم احترام به اجساد

با وجود اینکه حتی در عصر بعثت نبوی و در جنگ‌هایی که میان مسلمانان و کفار اتفاق می‌افتاد، رویه معمول کفار در رفتار با اجساد دشمن، مثله کردن اعضای بدن، جدا نمودن سر دشمن و هدیه دادن آن‌ها به امیران خود و رها کردن اجساد در صحنه جنگ و بی‌احترامی به آن‌ها بود، در سیره‌ی نبوی و علوی علاوه بر اینکه چنین رفتاری گزارش نشده است، بلکه طبق روایات و اسناد معتبر تاریخی، پیامبر اسلام به هنگام اعزام لشکر به سوی جنگ به آنان توصیه می‌فرمودند: از اقدام به مثله کردن دشمن اجتناب نموده و حتی اقدام به مقابله به مثل هم ننمایند. در مورد دفن اجساد دشمن نیز مشهور است که پیامبر اکرم در جنگ بدر دستور دفن کشته‌های قریش را صادر کردند. بر همین اساس از دیدگاه غالب فقها دفن کشته‌های دشمن جایز می‌باشد. حتی برخی از فقها دفن آن‌ها را با وجود شرایطی واجب می‌دانند (لطفی، ۱۳۹۲: ۳۶۰).

---

<sup>۱۷</sup>. مهم‌ترین اثر از نظر دسته بندی قواعد عرفی حقوق بشر دوستانه در قالب یک سند، پیش نویسی است که توسط پروفیسور فرانسس لیبر از دستورالعمل عمومی شماره ۱۰۰ صادره از سوی فرماندهی ارتش ایالات متحده- رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۸۶۳- تهیه شده بود. این مجموعه قواعد امروزه به عنوان کدلیبر شناخته می‌شود.

<sup>۱۸</sup>. کنوانسیون سوم ژنو، ماده ۱۳؛ کنوانسیون چهارم ماده ۳۲.

<sup>۱۹</sup>. پروتکل الحاقی اول، ماده (۲) ۷۵؛ پروتکل الحاقی دوم، ماده (۲) ۴.

<sup>۲۰</sup>. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، ماده (۱۰) (ب) (۲) ۸ و ماده (۱۱) (ه) (۲) ۸.

### ۳\_۱\_۱. مستندات روایی

الف: امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: میت دفن می‌شود تا پوسیدگی و تلاشی جسدش، زشتی عورتش، تغییر بویش و آنچه را که از آفت و فساد به میت می‌رسد، بر مردم آشکار نشود و نیز به جهت آنکه زندگان از بوی جسد او اذیت نشوند و نیز آنکه میت، از دوست و دشمن پنهان بماند تا شماتت و سرزنش دشمن و حزن و اندوه دوست را بر نیانگیزد. ۲۱ (مجلسی، ۱۴۰۴ ق: ۴۶؛ شیخ صدوق، بی تا، ۲۶۸).

ب: شخصی نقل می‌کند که همراه با پیامبر به سفر می‌رفتیم و در حین سفر چنانچه پیامبر با جنازه‌ای رو به رو می‌گشت، امر به دفن کردن آن جنازه می‌داد و در این خصوص سؤال نمی‌فرمود که آیا این جنازه کافر است یا مسلمان؟ (الضحاک، ۱۴۱۱ ق: ۲۱۱؛ الحاکم نيسابوری، بی تا، ۳۷۱؛ دار قطنی، ۱۴۱۷ ق: ۶۴؛ البیهقی، بی تا: ۳۸۶). این دو روایت متعلق به منابع روایی امامیه و اهل سنت می‌باشد که بیانگر این واقعیت است که در دین اسلام همواره به ارزش و کرامت انسان توجه ویژه‌ای شده است حتی در خصوص جسد انسان.

### ۳\_۱\_۲. دیدگاه فقها

اکثر فقهای معاصر معتقدند تدفین کفار بر طبق آداب اسلامی جایز نیست<sup>۲۲</sup>، اما دلیلی بر عدم جواز دفن اجساد کفار وجود ندارد. ۲۳ فقهای نیز می‌باشند که معتقدند دفن کشته‌های دشمن - کافر حربی - واجب نمی‌باشد. ۲۴ دیدگاه‌های فوق بیانگر حکم اولی در دفن کفار حربی است اما در صورت اضطرار و یا برای جلوگیری از متلاشی و متعفن شدن اجساد، دفنشان جایز<sup>۲۵</sup> بلکه واجب می‌باشد. ۲۶ از این رو، اگر کشته‌های دشمن کافر در میدان جنگ باقی بماند و آن محل در اختیار مسلمانان باشد، مسلمانان می‌توانند اجساد آن‌ها را برای جلوگیری از فساد و متعفن شدن دفن کنند.

از مجموع روایات و کلمات فقهای امامیه در خصوص دفن اجساد، می‌توان این گونه نتیجه گرفت که: مرده کافر از نظر اسلام دارای احترام نیست و اگر کافر در مقابله با اسلام کشته شود، بی‌ارزش بودن او روشن تر است. عدم احترام مرده کافر به این معناست که تغسیل، تکفین و تدفین مرده کافر جایز نیست، هر چند کافر، ذمی یا از خویشاوندان نزدیک مسلمانان باشد. اما بی‌احترامی به معنای، تقطیع اجزاء بدن، سوزاندن، لگند مال کردن، عریان نمودن، حمل رأس و اعمال زشتی از این قبیل در آموزه‌های قرآنی و دینی به شدت منع شده است. در

---

۲۱. قَالَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّمَا أَمْرٌ بِدَفْنِ الْمَيِّتِ لئَلَّا يَظْهَرَ النَّاسُ عَلَى فَسَادِ جَسَدِهِ وَ قَبِيحِ مَنَظَرِهِ وَ تَغْيِيرِ رَائِحَتِهِ، وَ لَا يَتَأَذَى الْأَحْيَاءُ بِرِيحِهِ، وَ لِيَكُونَ مَسْتُورًا عَنِ الْأَوْلِيَاءِ وَ الْأَعْدَاءِ، فَلَا يَشْمَتُ عَدُوٌّ وَ لَا يَخْزَنُ صَدِيقٌ.

۲۲. آیت الله روح الله خمینی و آیت الله منتظری.

۲۳. صاحب جواهر و آقا ضیاء عراقی.

۲۴. علامه حلی و محقق حلی و آیت الله بهجت.

۲۵. آیت الله بهجت و علامه طباطبائی.

۲۶. آیت الله سید محمد حسینی شیرازی.

خصوص دفن اجساد کافر، میان فقهای اهل سنت اختلاف نظرانی به شرح ذیل وجود دارد: در صورتی که کافر، ذمی باشد، برخی از فقهای شافعی معتقدند تکفین و تدفین او واجب است - ظاهر عبارت این گروه از فقها این است که تکفین و دفن کافر ذمی با آداب اسلامی واجب است - زیرا همانطور که تأمین خوراک و پوشاک و زندگی او بر حکومت اسلامی واجب است، دفن او نیز واجب خواهد بود. در مقابل، فقهای حنبلی و مالکی و حنفی معتقدند دفن او با آب اسلامی جایز نیست، اما در صورتی که کسی از هم کیشان مرده برای دفن نباشد و احتمال فساد و تباهی جسد باشد موارت او - زیر خاک پنهان نمودن بدون رعایت آداب - جایز است.

اما در مورد کافر حربی برخی از فقهای اهل سنت قائل به وجوب دفن شده‌اند. در مقابل، فقهای حنفی، حنبلی، مالکی و اکثر فقهای شافعی قائل به عدم جواز - حرمت - دفن کفار حربی شده‌اند؛ مگر اینکه احتمال اذیت مسلمانان و فساد جسد باشد که در این صورت، دفن واجب خواهد بود. (لطفی، همان، ۳۸۰).

۲\_۳. دیدگاه حقوق بشردوستانه بین المللی در رابطه با لزوم احترام به اجساد  
در این خصوص مجموعه ای از قواعد عرفی و معاهده ای وجود دارد که مشروحا مورد استناد قرار میگیرد تا دیدگاه حقوق بشردوستانه بین المللی به درستی تبیین گردد.

الف: قاعده ۱۱۲: از قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی تصریح دارد که:

«هر یک از طرف‌های درگیری در صورت اقتضاء شرایط، و به ویژه پس از پایان هر درگیری، موظف است بدون تأخیر کلیه اقدامات ممکن را بدون تبعیض ناروا جهت جستجو، جمع آوری و تخلیه اجساد، به عمل آورد.» (Henckaerts, 200: 406) رویه دولت‌ها این قاعده را به منزله یک قاعده عرفی حقوق بین الملل در هر دو زمینه درگیری‌های مسلحانه بین المللی و غیر بین المللی قابل اعمال می‌دانند. وظیفه جستجوی اجساد درگیری‌های مسلحانه غیر بین المللی در پروتکل الحاقی دوم مدنظر قرار گرفته است. ۲۷ رعایت احترام به این قاعده شرط لازم و اجتناب ناپذیر - *Conditio sine qua non* - برای حفظ احترام نسبت به قواعد دیگری است که متعاقباً در نوشتار حاضر، ذکر آن‌ها به میان خواهد آمد که از جمله‌ی آن قواعد، قاعده اعاده بقایای اجساد، قاعده خاکسپاری محترمانه و قاعده شناسایی هویت اجساد است. این قاعده - قاعده ۱۱۲ - بدون اعمال تبعیض ناروا، اجساد کلیه مردگان را در بر می‌گیرد. ۲۸

ب: قاعده ۱۱۳: از قواعد حقوق بین الملل بشردوستانه عرفی تصریح دارد:

«هر یک از طرف‌های درگیری بایستی کلیه تدابیر ممکن را جهت جلوگیری از غارت اجساد به عمل آورد. مثله کردن اجساد ممنوع است» (Henckaerts, 200: 409)

<sup>۲۷</sup>. ماده ۸، پروتکل الحاقی ۲.

<sup>۲۸</sup>. ماده ۱۶ کنوانسیون چهارم ژنو؛ ماده ۸ پروتکل الحاقی ۲.

تعهد و الزام به اتخاذ کلیه تدابیر ممکن جهت جلوگیری از غارت یا چپاول اجساد مردگان، نخستین بار در دهمین کنوانسیون ۱۹۰۷ لاهه تدوین گردید. ۲۹ و هم اکنون نیز در مفاد کنوانسیون‌های ژنو ۳۰ مندرج است.

ج: قاعده ۱۱۴: از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی تصریح دارد:

«طرف‌های درگیری وظیفه دارند مساعی خود را جهت تسهیل در امر بازگرداندن بقایای جسد متوفی، به محض درخواست طرفی که جسد بدان طرف تعلق دارد، یا به محض درخواست نزدیکان متوفی، به کار ببندند. لوازم شخصی آنان نیز باید اعاده گردد». (Henckaerts, 200: 411)

این قاعده مبتنی بر مفاد کنوانسیون‌های ژنو است. ۳۱ تعهد و الزام به بازگرداندن وسایل شخصی مردگان برای نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو، در خصوص بهبود شرایط مجروحین و بیماران نیروهای شرکت کننده در جنگ تدوین شد. ۳۲ این قاعده اکنون در کنوانسیون‌های ۱۹۴۹ ژنو مقرر شده است. ۳۳ در زمینه درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی، هیچ نوع مفاد قراردادی در زمینه اتخاذ تدابیر جهت انتقال بقایای اجساد وجود ندارد. با این حال، توافقنامه‌هایی چند درباره این موضوع یافت شده‌اند.

د: قاعده ۱۱۵: از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی تصریح دارد:

«اجساد می‌بایست با احترام دفن شده، مزار آنان محترم شمرده شده و به طرزی شایسته محافظت شود». (Henckaerts, 200: 414)

تعهد و الزام به تدفین محترمانه اجساد نخستین بار در کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو مقرر گردید. ۳۴ و هم اکنون به طور مشروح در کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو بدان پرداخته شده است. ۳۵ این تعهد و الزام همچنین در زمینه درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی در پروتکل الحاقی دوم مقرر شده است. ۳۶

کنوانسیون‌های ژنو مقرر می‌دارند که در صورت امکان، اجساد مردگان می‌بایست بر طبق آیین و شعائر مذهبی متعلق به متوفی دفن شوند و فقط در موارد استثنایی از جمله بنا به دلایلی نظیر دلایل ضروری بهداشتی، به اعتبار متوفی و یا مطابق با درخواست صریح متوفی، سوزانیده شوند.

---

<sup>۲۹</sup>. ماده ۱۶ کنوانسیون (۱۰) لاهه.

<sup>۳۰</sup>. ماده ۱۵ بند اول، کنوانسیون اول ژنو؛ ماده ۱۸ بند اول، کنوانسیون دوم ژنو؛ ماده ۱۶ بند دوم، کنوانسیون چهارم ژنو.

<sup>۳۱</sup>. ماده ۱۷ بند سوم، کنوانسیون اول ژنو؛ ماده ۱۲۰ بند ششم، کنوانسیون سوم ژنو؛ ماده ۱۳۰ بند دوم، کنوانسیون چهارم ژنو.

<sup>۳۲</sup>. ماده ۴ بند سوم، کنوانسیون، ۱۹۲۹.

<sup>۳۳</sup>. ماده ۱۶ بند چهارم، کنوانسیون اول ژنو؛ ماده ۱۹ بند سوم، کنوانسیون دوم ژنو؛ ماده ۱۲۲ بند نهم، کنوانسیون سوم ژنو؛ ماده ۱۳۹

کنوانسیون چهارم ژنو.

<sup>۳۴</sup>. ماده ۴ بند پنجم، کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو در خصوص بهبود شرایط مجروحین و بیماران نیروهای شرکت کننده در جنگ.

<sup>۳۵</sup>. ماده ۱۷ کنوانسیون اول ژنو؛ ماده ۲۰ کنوانسیون دوم ژنو؛ ماده ۱۲۰ کنوانسیون سوم ژنو؛ ماده ۱۳۰ کنوانسیون چهارم ژنو.

<sup>۳۶</sup>. ماده ۸ پروتکل الحاقی ۲.

ه: قاعده ۱۱۶: از قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه عرفی تصریح دارد:

«هر یک از طرف‌های درگیری می‌بایست به منظور تشخیص هویت اجساد، کلیه اطلاعات قابل حصول در مورد متوفی را قبل از تدفین ثبت نموده و محل دفن اجساد را علامت گذاری کنند». ( Henckaerts, 200: 417)

این الزام و تعهد در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ مقرر گشته است. ۳۷ متأسفانه لزوم شناسایی هویت اجساد قبل از تدفین در هیچ یک از مفاد حقوق معاهدات قابل اعمال بر درگیری‌های مسلحانه غیر بین‌المللی ملاحظه نشده است. البته نظام حقوق بشر، اتخاذ تدابیر لازم را برای شناسایی متوفی و تحقیق در مورد علت مرگ، خصوصاً بدین منظور که حق حیات مورد حمایت قرار گیرد را الزامی کرده است (Bothe, 2013: 331-333).

---

<sup>۳۷</sup>. مواد ۱۶ و ۱۷ کنوانسیون اول ژنو؛ مواد ۱۹ و ۲۰ کنوانسیون دوم ژنو؛ مواد ۱۲۳-۱۲۰ کنوانسیون سوم ژنو؛ مواد ۱۲۱-۱۲۹

## نتیجه گیری

همانگونه که مطرح گردید حقوق بشردوستانه اسلامی و حقوق بشردوستانه بین المللی هر دو دارای نظریات ارزشمندی در حوزه منع قطع عضو میباشند. اما نکته ای که موجب تمایز حقوق اسلامی از حقوق بشردوستانه بین المللی در این حوزه میگردد، اهتمام حقوق اسلامی به منع قطع عضو، حتی در خصوص حیوانات میباشد؛ این نکته در حقوق بشردوستانه بین المللی با اینکه حوزه شمولش هم اجتماعات انسانی را در بر میگیرد و هم مفاهیم غیر انسانی را پوشش میدهد، مورد غفلت قرار گرفته است؛ با توجه به توسعه و پیشرفت ابزارهای جنگی و بکارگیری روش ها و تکنیک های مختلف جنگی توسط دولت ها و نیز ظهور گروه های تروریستی و تکفیری تندرو که از ارتکاب هیچ جنایتی، ابایی ندارند، ضرورت قانونگذاری در این خصوص، امری اجتناب ناپذیر می باشد.

در این مقاله شواهد و استنادات مختلفی در منابع متعدد فقهی و حقوقی مورد استناد قرار گرفت تا بخوبی گویای این واقعیت باشد که ارزش و کرامت ذاتی انسان که از مفاهیم لاینفک حقوق بشردوستانه می باشد، چه در زمان حیات بشر و چه پس از فوت او مورد عنایت و اهتمام حقوق بشردوستانه می باشد. در این بخش نیز بدنبال پاسخ به سوال اصلی مطرح شده در چکیده مقاله بودیم و آن اینکه آیا حقوق بشردوستانه لزوم احترام به اجساد را بدون تمایز از حیث رنگ، نژاد، مذهب، عقیده و ... مورد اهتمام قرار داده است؟ در پاسخ به سوال مطرح شده عنوان گردید که حقوق بشردوستانه اسلامی بدون توجه به تمایزات مختلف، اجساد را محترم دانسته و بر ضرورت دفن اجساد تاکید کرده است. از سوی دیگر نیز حقوق بشردوستانه بین المللی، بر این موضوع تاکید کرده است. البته این نکته نیز مغفول نماند که حقوق بشردوستانه بین المللی در این حوزه دارای یک ساختار منسجم و منضبط میباشد که حقوق اسلامی از این ساختار یکپارچه بی نصیب است. علت این عدم انسجام نیز وجود فرق و مذاهب مختلف اسلامی است که بعضاً نظریات متفاوتی در خصوص دفن اجساد دارند؛ اما فی الجمله همگی از باب ضرورت، بر لزوم دفن اجساد تاکید می کنند. در این خصوص نیز حرکت به سمت ایجاد شریعت واحد اسلامی و نه شرایع متعدد، احساس می گردد.

این نوشتار به خوبی گویای این واقعیت است که ابتدائاً جنگ برای بشر یک ضد ارزش بوده و رنج و آلام ناشی از آن تا مدت ها اثر مخرب خود را در نظام اجتماعی باقی خواهد گذاشت؛ اما امروزه عرصه روابط بین المللی یک عرصه کاملاً پیچیده است به گونه ای که در بسیاری از حوادث و وقایع، ابزارها و روش های دیپلماتیک کار کرد خود را از دست می دهند و ناچاراً روابط خصمانه اصل قرار می گیرد. تداوم این روابط خصمانه گزینه جنگ را متحمل بلکه مسلم می سازد. نتیجه آنکه جنگ علیرغم اینکه یک ضد ارزش است لیکن یک حقیقت اجتناب ناپذیر می باشد. آنچه که تاکنون از مجرای نظام حقوق بشر قاعده مند شده بود اکنون - در حالت روابط خصمانه - محل اعمال نظام حقوق بشردوستانه نیز می شود. این ساختار به دنبال انسانی کردن جنگ

است؛ اسلام نیز همواره به دنبال ایجاد صلح و ثبات و حاکمیت همدلی و برادری میان انسان‌ها بوده است. دستورات قرآن و روایات ائمه معصومین به نحو شایانی به مسئله جنگ و انسانی کردن جنگ توجه نشان داده است و دستورالعمل‌هایی را برای مسلمانان وضع نموده است تا به هنگام جنگ (jus in bello) به آن‌ها متوسل شوند. اشتراکات مقررات اسلامی با حقوق بین‌الملل نوین به قدری زیاد است که شاید بتوان ادعا نمود که حقوق بین‌الملل نوین در حقیقت، تدوین‌کننده مقررات عرفی اسلام در خصوص حقوق بشردوستانه بین‌المللی است.

## منابع و مآخذ

منابع فارسی

قرآن کریم

احمدی میانجی، علی، حقوق مخاصمات مسلحانه در اسلام، ترجمه محمد احمدی میانجی، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۸

آقا جانپور میر، سیده فاطمه، «کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی از منظر اسلام»، فصلنامه مطالعات بین‌المللی، شماره ۴، بهار، ۱۳۹۵.

پ. و. راجرز، آنتونی، مالرب، پل، قواعد کاربردی حقوق مخاصمات مسلحانه، ترجمه کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۲.

جمعی از نویسندگان، اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، چاپ اول، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۲.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۲.

عمید زنجانی، عباسعلی، حقوق بشردوستانه بین‌المللی از منظر اسلام، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.

عمید زنجانی، عباسعلی، فقه سیاسی، جلد پنجم، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳.

قربان‌نیا، ناصر، اخلاق و حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۸.

کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و اتحادیه بین‌المجالس، رعایت حقوق بشردوستانه، ترجمه محمد طاهر کنعانی و سیامک کرم‌زاده، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه، ۱۳۸۳.

کنعانی، محمد طاهر، آشنایی با حقوق بشر دوستانه، تهران، کمیته ملی حقوق بشر دوستانه، ۱۳۸۲.

کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۱۹۴۹.

لطفی، عبدالرضا، اخگری بناب، نادر، فقهی، محمدرضا، اشخاص مورد حمایت در مخاصمات مسلحانه، جلد اول، چاپ دوم، تهران، نشر هستی نما، ۱۳۹۲.

یوسفی راد، مرتضی، «مبانی فلسفه حقوق بشردوستانه در اسلام»، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه، ۱۳۸۶.



## منابع عربي

- بيهقي، احمد بن الحسين، السنن الكبرى، دارالفكر، بی نا، بی تا.
- حرّ العاملی، محمد بن الحسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعہ الی تحصیل مسائل الشریعہ، الطبعة الاولى، قم المقدسة، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، لحياء التراث، ۱۴۰۹ ق.
- دارقطنی، ابوالحسن علی بن عمر بن احمد، سنن الدار قطنی، تعليق و تخريج: مجدی بن منصور سيد الشوری، الطبعة الاولى، بيروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ ق.
- شيخ صدوق، محمد بن علی بن بابويه، علل الشرايع، قم، مكتبة الداوری، بی تا.
- ضحاک، الاحاد و المثانی، تحقیق: باسم فيصل احمد الجوابرة، الطبعة الاولى، دارالدرایة للطباعة و النشر التوزيع، ۱۴۱۱ ق.
- طوسی، ابو جعفر محمد ابن الحسن، تهذیب الاحکام، الطبعة الرابعة، طهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- کلینی، ابو جعفر محمد ابن یعقوب، الکافی، الطبعة الرابعة، طهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ق.
- نوری، المحدث میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.
- نیسابوری، الحاكم الكبير ابو احمد، المستدرک، اشراف: يوسف عبدالرحمان المرعشلی، بی نا، بی تا.

## منابع انگلیسی

- Stewart, J. G. (2003). Towards a single definition of armed conflict in international humanitarian law: A critique of internationalized armed conflict. *International Review of the Red Cross*, 85(850), 313-350.
- Bothe, M. (2013). *The handbook of international humanitarian law*. Oxford University Press.
- Coupland, R. M. (1996). The effect of weapons: defining superfluous injury and unnecessary suffering. *Medicine and Global Survival*, vol. 3, A1, 1-7.
- Dill, J. (2015). Ending wars: the jus ad bellum principles suspended, repeated, or adjusted? *Journal of Ethics*, vol.125 (3), 627-630.
- Fleck, D., Bothe, M., & Fischer, H. (Eds.). (1999). *the handbook of humanitarian law in armed conflicts*. Oxford University Press, USA.
- Forsythe, D. P. (2017). *Human rights in international relations*. Cambridge University Press.
- Henckaerts, J. M., & Doswald-Beck, L. (2005). *Customary international humanitarian law*, Cambridge University Press, vol. 1.
- Maybee, L., & Chakka, B. (2005). Custom as a source of international humanitarian law. In *Proceedings of the Conference to Mark the Publication of the ICRC Study "Customary International Humanitarian Law"* held in New Delhi, (pp. 8-9).

Shultziner, D. (2016). Human Dignity in Judicial Decisions: Principles of Application and the Rule of Law. *Cardozo J. International & Comparative Law*, vol. 25, 435-481

Yadav, M. (2015). International Humanitarian Law as a Part of International Law with Special Reference to Its Implementation in the West and South Asian Region.